



17 آگست 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## یک بررسی تحلیلی تاریخی:

### چگونه و چرا هرات بار اول در سال 1995 بدست طالبان سقوط کرد؟

(قسمت سوم)

انگیزه ها و علل سقوط هرات بدست طالبان:

مسلم است که اسماعیل خان در طول سالهای جهاد و نیز در طی مدت سه سال و چند ماه که به حیث والی و بعداً امیر حوزه جنوب غرب ایفای وظیفه کرد، از شهرت، صداقت، عاملیت وجدیت در کار مشهور بود و در عمران مجدد هرات نقش برجسته داشت. اینکه دوستانش او را «مرد آهنین، سلحشور مبارز و مجاهد جان به کف» می خواندند، جای شک و تردید نیست. ولی چطور شد که این مرد میدان دیده و قوماندان باتجربه با یک حمله برق آسای طالبان نو به دوران رسیده، به یکبارگی به زانو درآمد و در ظرف یکی دو روز از اوج قدرت سقوط کرد و به گوشه هجرت در دیار همسایه پناه گزین شد؟؟ جواب این سوال را نمیتوان در یک جمله، یا یک سطر و یا یک پراگراف بیان کرد، بلکه پاسخ به این مسئله جوانب مختلف با ابعاد متفاوت دارد که اینک به شرح مختصر آن پرداخته میشود:

#### الف - مشکلات داخلی ولایت:

1 ( اسماعیل خان از شروع سال 1995 با مشکلات روز افزون مواجه شد. وقتی او اکثر قوماندانهای جهادی را خلع سلاح کرد، افراد نظامی آنها نیز پراکنده شدند و کمبود قوا اسماعیل خان را مجبور ساخت تا خدمت عسکری را به شکل سابق یعنی بطور جبری رویدست گیرد و جوانان را برای خدمت دوساله «زیرببرق» جلب نماید. این اقدام دو اثر منفی را بار آورد: یکی با جلب جوانان بی تجربه اردو فاقد روحیه جنگی شد، زیرا جوانان حاضر نبودند جان خود را به خطر ناپودی مواجه سازند و دیگر جلب جبری جوانان به وسیله فشار، احساس بدبینی را در برابر اسماعیل خان در هرات دامن زد. (فرانس پرس، جریده امید شماره 176، صفحه اول)

2 ( حملات قوای دوستم از شمال، خاصناً جنگ «غورماچ» که تلفات سنگین را بار آورد، به شهرت اسماعیل خان در هرات صدمه رسانید و مردم از او ناراض شدند.

3 ( خودکامگی مامورین، ارتشاء و فساد اداری، مردم را زیر فشار قرار داده بود، طور مثال مامورین گمرک از هر موثرلاری که از هرات عبور میکرد، مبلغ ده هزار کدالر (معادل 300 دالر) حق العبور میگرفتند. اینکار مافیای پرفدرت ترانسپورت و انتقالات را علیه اسماعیل خان برانگیخت.

4 ( شدت عمل، خودخواهی و خودمحوری اسماعیل خان و بی اعتنائی او در برابر سائرشخصیت های جهادی، نظام اداری آنجا را بیک شیوه «دیکتاتوری فردی» تبدیل کرده بود که توأم با یکنوع «تعصب دینی - مذهبی» پیش برده می شد. علاوتاً یادکردن اسماعیل خان با القاب غیر معمول و مبالغه آمیز مثل «امید مستضعفان، قافله سالار جهاد، قائد پیروزمند جهاد، فاتح کبیر جهاد، امیر مسلمین» که از طرف بعضی متملقین بکار برده میشد، روحیه عوام را باضدیت در برابر اسماعیل خان تحریک میکرد و این حربه را بدست مخالفان میداد که در تخریب او بیشتر دست بکار شوند. اینکار عین اشتباهی بود که طرفداران احمد شاه مسعود در حق او کردند و آنقدر او را بلند بردند که دیگران در صدد پایان آوردن او از آسمان به زمین شدند، چنانکه میگویند: حکمتیار آنقدر صدمه به شهرت مسعود رسانیده نتوانست که جریده امید با مبالغه های بیش از حد خود برای او دشمن خلق کرد.

5 ( رقابت های ناسالم و حسادتها در بین قوماندانهای جهادی سابق و روش مزورانه و بی اعتنائی اسماعیل خان موجب ناراضیاتی آنها گردیده بود و آنها بطور علنی و مخفی در ضعف قدرت اومی کوشیدند. تفاوت های قومی و زبانی و نیز تمایلات مفکوری و وابستگی به گروه های مختلف حتی مرتبط با کشور همسایه ایران حس عداوت و بدبینی را بین بعضی از قوماندانها دامن زده و حتی در برخورد کشانیده بود، چنانچه طالبان از موجودیت همین اختلافات بعداً

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

در جنگ علیه اسماعیل خان به وسیله تطمیع و دادن پول بسیار استفاده کردند. (انتونی، دیویز: "نحوه شکل گیری گروه طالبان به عنوان یک نیروی نظامی".....، صفحه 78 تا 80)

6) ملیشه های دوران کمونیستی از جمله گروپ ملیشه آمر سید احمد و همچنان ملیشه داؤد جیان که خود شان قبلاً کشته شده بودند ولی گروپ های شان هنوز هم در اطراف هرات و محلات دوردست بطور پراکنده فعالیت داشتند، از مخالفان سرسخت اسماعیل خان و حکومت اسلامی محسوب می شدند. اینها نیز (البته در تبتانی با پرچمیهای همکار با حکومت کابل) در تضعیف اسماعیل خان در هرات نقش بازی میکردند. (اشرف زی، داکتر سخی سید کاغذ: "مصاحبه با دگر جنرال اسماعیل خان والی هرات"، منتشره جریده امید، شماره 86، مورخ 13 دسمبر 1993)؛ همچنان موجودیت بعضی عناصر خلقی و پرچمی در مقام های حساس، بخصوص امور استخباراتی نیز از جمله علی بود که موجب نارضایتی مردم از اداره اسماعیل خان گردیده بود.

7) روگشتاندن همکاران نزدیک دوران جهاد از اسماعیل خان و همکاری و سازش های پشت پرده آنها با طالبان عامل دیگر ضعف در اداره و سوق الجیش اسماعیل خان گردید، چنانچه اسماعیل خان در جواب به این سوال که: «اشخاصی چون حاجی میرمعاون ولایت و مولوی خدایداد رئیس محاکم اکنون با طالبان همکاری مینمایند و در راس امور قرار گرفته اند، به نظر شما آیا این یک پلانی بود که از پیش آماده شده بود؟»، چنین گفت: «بلی! ملا خدایداد ارتباط مستقیم با طالبان داشت، از همان لحاظ من دوماه قبل او را از ریاست محاکم برطرف ساختم و نامه برطرفی او را امضا نمودم، مگر همین تعداد خائنان که قبلاً یادآور شدم، آنها همه نزد من آمدند و اصرار داشتند که او ملا است و مردم آزرده میشوند. همچنان به عوض مولوی خدایداد شخص دیگری را به حیث خطیب مسجد جامع تعیین کردیم و واعظ مسجد جامع آقای مصنون را مقرر داشتیم. منتها همین مردم خائن باعث گردیدند که مکتوب انفصالی او را از وظیفه اش دوباره مورد تجدید نظر قرار دادیم و مسترد کردیم. این یک واقعیت روشن است که آنها با دشمن ارتباط داشتند». اسماعیل خان در مورد معاون خود میرعبدالخالق خان که یار و یاور زمان جهاد او بود، تبصره نکرد و خاموشی اختیار کرد. (مصاحبه با ویس ناصری، منتشره جریده امید،)

## **ب - مشکلات درون حزبی:**

1) طوریکه قبلاً بیان گردید، در سالهای جهاد بین دو قوماندان بزرگ جمعیت اسلامی هریک احمدشاه مسعود و اسماعیل خان نزاکتها و رقابت های وجود داشت. مسعود که در کابل «آمریت» عمومی قوا را بدوش داشت و تلاش میکرد تا اسماعیل خان را «زیراثر» خود داشته باشد، ولی اسماعیل خان به آن موقف موافق نبود و امور حوزه جنوب غرب را مستقلاً پیش می برد. لذا رهبری جمعیت (ربانی - مسعود) همواره به دنبال شرایطی بود که طرفداران خود را در هرات به دسته های کوچک و مستقل تقسیم کند و در ناسازگاری با اسماعیل خان وادار تا شخص مطلوب خود (سید نورالله عماد) را بجای اسماعیل خان در راس آن حوزه بگمارد. (قوام احزازی، محمد یوسف: "سردار آریا"، چاپ اول، 1383، صفحه 33)

اسماعیل خان در برابر این سؤال که: «یکعده مردم در تحیر اند که با وجودیکه نورالله عماد و افضل در طول جهاد و سه سال اخیر با شما مخالفت داشتند و سعی در براندازی شما داشتند، چرا با وجود درک این احوال داخل اقدام نشده و چرا مردم را در جریان نگذاشتید؟»، چنین جواب داد: «خدا را سوگند یاد مینمایم در همان شب که هرات سقوط نمود و ما به ایران آمدیم، آقای چکری که انشا الله خودش یک زمانی آنرا افشا خواهد نمود، برایم گفت که این یک کودتای پشت پرده بود که در هرات صورت گرفت». او در ادامه افزود: «این یک واقعیت است که اینرا خود استاد ربانی نیز میدانست و شخصاً به هرات آمده و از نزدیک در جریان قضایا قرار داشت و مردم هم این موضوعات را کلاً درک میکردند. من یقین دارم که اکنون تمام مردم هرات و مردم افغانستان به کسانیکه در دفاع از هرات و حوزه جنوب غرب داخل جنگ نشده اند و دایماً مصروف و مشغول تخریب و توطئه بودند، مردم به آنان نفرین می فرستند و یقین دارم که همه مردم افغانستان در جریان قضایا قرار دارند. شما بخدا باور کنید که آقای افضل بعد از اصرار زیاد من، فقط یک شب در قسمت فراه رود آمد و به مجردیکه در آنجا جنگ شروع شد، او فوراً بساعت 12 شب به موترش سوار شده و مستقیم به هرات آمد و یک تعداد از وسایط و موترها به تعقیب او به هرات رسیدند. من برایش گفتم که ای برادر نامرد تو که فرار میکردی لاقلاً به میدان هوایی شیندند ایستاده میشدی، تو لاقلاً به ادرسکن توقف میکردی، تو چرا از خط مقدم جنگ به 12 شب فرار نموده و راساً به هرات میروی؟ زمانیکه او

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

به هرات میرسد، زن و فرزند خود را برداشته و بطرف ایران حرکت میکند، در حالیکه در عین وقت دو روز دیگر جنگ در ادرسکن و اطراف میدان هوایی شیندند جریان داشت.» (مصاحبه با ویس ناصری، منتشره جریده امید)

جنرال ظاهر عظیمی (از اهل تشیع هرات) اعتراف میکند که: «اختلافات محمد اسماعیل خان با دولت مرکزی و رقابتهای بسیار شدید نیاز به دلیل و مثال ندارد. حوزه جنوب غرب در طول این مدت به خلای اداره مواجه بود، نه ایالت (ولایت) مستقل بود مثل مشرقی، نه کاملاً از دولت پشتیبانی میکرد. اختلافات در ارسال امکانات نظامی، سوخت، برخوردهای اجتماعی روزمره کاملاً مشهود بود. یکی از دلایل شکست همین رقابت ها بود.» (مجموعه سه مصاحبه - "لحظه های حساس؟ - نظریات جنرالان درباره سقوط هرات"، کانادا، 1998، صفحه 14)

2) هنگامیکه اسماعیل خان در جنوب با طالبان درگیر بود، ربانی شخصی را بنام «جنرال افقر» (از فاریاب) با یک دسته 20 نفری جنگجویانش به مرغاب فرستاد، به این نام که گویا او با عملیات چریکی مانع حملات دوستم به شمال هرات شود، در حالیکه موصوف ناراحتی های مزید را برای اسماعیل خان در شمال هرات به وجود آورد.

3) اینکه قوای اسماعیل خان از گرشک و شیندند مجبور به عقب نشینی شدند و آن آغاز شکست های پیهم بود، دلیل آنرا اسماعیل خان چنین بیان میکند: «تا حوالی مناطق گرشک پیشروی خوب داشتیم و در فاصله پنج کیلومتری گرشک زمانیکه از سه استقامت بالای گرشک حمله صورت گرفت، ساعت یک بعد از ظهر بود. متأسفانه برادران قندهاری باکمال بی همتی در جبهه وسط که از استقامت سرک اسفلت بجانب گرشک میرفت، عقب نشینی کردند و این عقب نشینی وسیله شد که دو جبهه دیگر که در دو استقامت سمت راست و سمت چپ سرک اسفلت موضع داشتند و در هر کدام از این جبهات 500 نفر جایجا شده بودند، در محاصره قرار گرفته و در این اثنا یکی از بهترین فرماندهان ما داکتر نصیر احمد قوماندان عمومی گارنیزون شیندند به شهادت میرسد و تعداد زیاد از مجاهدین در آن شب در این دشتهای سرگردان گردیدند که بعضی مفقود و بعضی هم به شهادت رسیدند. علت عمده این شکست متأسفانه قندهاری های بدبخت و گمراه بودند.» (مصاحبه با ویس ناصری، منتشره جریده امید)

شهادت داکتر نصیر قوماندان میدان هوایی شیندند توسط افراد ناشناس از بین «خودی ها» طوری وانمود شد که گویا موصوف به وسیله طالبان کشته شده است، در حالیکه طالبان در آن محل حضور نداشتند. (قوم احراری، مأخذ قبلی - صفحه 35)

4) جنرال ظاهر عظیمی (یکی از قوماندانهای جهادی هرات) که در آنوقت سخنگوی اسماعیل خان و بعد از سقوط هرات یکی از منتقدان او بشمار میرفت، ضمن یک مصاحبه با بی. بی. سی. سه روز بعد از سقوط هرات مسؤلیت را بدوش اسماعیل خان انداخت و چنین گفت: «بعد از سقوط هرات، تعدادی از فرماندهان حوزه جنوب غرب از جمله علاؤالدین خان، جنرال افضل و خود او (عظیمی) تصمیم میگیرند که اسماعیل خان مسؤل سقوط هرات بوده و باید او را از ریاست شورای فرماندهان برکنار کنند؛ عظیمی می افزاید: «داکتر عبدالله سخنگوی وزارت دفاع افغانستان و صدیق چکری وزیر امورسرحیات و آقای دلجو حسینی وزیر فرهنگ درست قبل از سقوط هرات برای رسیدگی اختلافات میان فرماندهان حوزه جنوب غرب به هرات رفته و دولت افغانستان و فرمانده مسعود با ریاست جدید شورای فرماندهی که جنرال علاؤالدین معاون پیشین جنرال اسماعیل خان است، موافقت کامل دارند.» (امید شماره 177، صفحه 8)

این موضوع واضح می سازد که کابل در همان حالت حساس عمداً میخواست تا هرات را از دست اسماعیل خان بیرون کند و اداره آنرا به طرفداران خود بسپارد. متأسفانه یار قدیم و دوست جهاد او علاؤالدین خان فریب این دسیسه را خورد و بطور غیرمستقیم زمینه ضعف مقاومت در برابر طالبان را فراهم کرد.

جای تعجب است که اسماعیل خان هیچگاه تاحال از این چرخش علاؤالدین یاد نکرده و آنرا در پرده ابهام گذاشته است، ولی طی یک مصاحبه بطور غیر مستقیم به این موضوع اشاره کرده و میگوید: «در همان شب که هرات سقوط نمود و ما به ایران آمدیم، آقای چکری که انشا الله خودش یک زمانی آنرا افشا خواهد نمود، برایم گفت که این یک کودتای پشت پرده بود که در هرات صورت گرفت. به خاطریکه همین نامردهای که این حرفها را میگویند، در باغ آزادی نشستند، در حضور همه برایشان گفتم که چرا شما به جبهه نمیروید؟ اینها همه بهانه پول نمودند. ساعت ده صبح که اسناد هم موجود است، خود همین وزرا نشسته و شاهد اند که 40 میلیون افغانی همانند به عظیمی سپردم که او حاضر شد بطرف جبهه برود. مبلغ 100 میلیون افغانی بدست خود علاؤالدین خان دادیم که

د پانوی شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

او هم به جبهه رفت. مبلغ 100 میلیون افغانی به شاروال سپردیم که البته او به جبهه نرفت. قوماندانی جبهه را همانروز برای علاؤالدین خان و ظاهر عظیمی تفویض نمودیم. شما از اینها سوال نمائید که چرا شما فرار نمودید؟ فرضاً اگر شکست خوردید، چرا بداخل شهر شما توقف نکردید و به چه علت مستقیم بطرف ایران رفتید؟ علاوئاً از آنها پرسیده شود که جنگ درفراه رود بود، چرا دو روز قبل شما فامیل های خویش را به ایران فرستاده بودید؟ اینها همه دلایلی است که کلاً افراد مذکور از شرمندگی که دارند و در اینجا سرو صدای را براه انداخته اند تا مردم از آنها سوال نکنند که شما چرا فامیل های تانرا دو روز قبل انتقال داده و حینیکه درجبهه شکست خوردید، چرا درداخل شهر اقامت نکردید و از شهر دفاع نکردید؟ « (مصاحبه با ویس ناصری، منتشره جریده امید)

5) زمانیکه جنگ در جبهه جنوب جاری بود، اسماعیل خان از قوماندانهای رقیب تقاضا کرد تا در برابر طالبان به دفاع مشترک بپردازند، اما آنها از اینکار طفره رفتند و خود را با کمسیون که از کابل به ریاست داکتر عبدالله برای ایجاد فضای همکاری قوماندانها آمده بود، مصروف ساختند و در راه دفاع مشترک اقدام لازم نکردند. اسماعیل خان درزمینه میگوید: «زمانیکه جبهه از "اب خرما و فراه رود" شکست خورد، آمدیم در عقب دشت میدان شیندند و سنگر گرفتیم، من آدمم به هرات که مصادف به حضور هیئت اعزامی از کابل به ولایت هرات بود که شامل آقایی (صدیق) چکری، داکترعبدالله، سیدنورالله عماد و بعضی برادران و وزرا و دیگر و سید اسحق دلجو حسینی، قاضی زاده و آقای دلیلی و دیگران بودند. هیئت مذکور را استاد ربانی از مرکز فرستاده بود. زمانیکه هیئت به نزد اینجانب به فراه رود آمدند، برایشان گفتم که شما برادران بروید به هرات و یک تعداد قوای تازه نفس روان کنید، چرا که این جبهه سه بار با شکست روبرو شده و در هر سه مراتبه با تلفات مقابل گردیده و تعداد آنها نظر به تعداد اول تقریباً به نصف رسیده است. آنها رفتند به هرات ولی متاسفانه نتوانستند کاری بکنند. موقعیکه ما در قسمت ادرسکن سنگر اختیار کردیم و با این خط دفاعی تدارک دیدیم، در این وقت من شخصاً به هرات رفتم و با همین قوماندانها ملاقات و دیدار داشتم. ناگفته نماند زمانیکه ما در قسمت دلارام عقب نشینی نموده بودیم، تصادفاً برایم مرضی شدیدعاید گردید چنانچه در طول همین چند روز در داخل جبهه من مرضی داشتم ولی با آنهم من ترک جبهات ننموده و در خط مقدم قرار داشتم. موقعی که خط دفاعی را در مناطق ادرسکن احداث نمودیم، صبح وقت من به هرات آمدم و در حضور داکترعبدالله، چکری و غیره برادران همین قوماندانها مانند علاؤالدین خان، قوماندان امنیه غیره را جمع نمودم و برایشان گفتم که ای برادران این جبهه ما از یکماه مکمل است که در عقب نشینی و پیشروی سپری نموده است. یک جبهه ای که یکماه را درحالت جنگ گذشتانده باشد و سه مراتبه به شکست روبرو شده باشد و حدود یک و نیم هزار نفر تلفات داشته باشد، شما چرا درحمایت از جبهه فعال نشده و سهم نمی گیرید و به آنجا نمی روید؟ همان روز علاؤالدین خان و ظاهر عظیمی و یک عده دیگر را با سه صد نفر به خط مقدم جبهه فرستادیم. همان شب را من نظر به خرابی وضع صحی ام بداخل شهر هرات درپهلوی داکترعبدالله و غیره برادران درباغ آزادی ماندم. ساعت ده بجه شب بود که توسط بیسیم مخابره صورت گرفت و برایم گفتند که عقب نشینی شده است. من برای داکتر عبدالله و چکری گفتم که دربیسیم برایم میگویند. همین برادران ما که عقب نشینی کردند، بدون اینکه به ما اطلاع بدهند، مستقماً به ایران آمدند. ما درآنوقت به قول اردو رفته و در آنجا ماندم. چکری و داکتر عبدالله و دیگر برادران را به ساعت 12 شب موتر تهیه دیده و آنها را جانب ایران حرکت دادیم و خودم بداخل شهر ماندم. متاسفانه هریک از این قوماندانها که شکست میخوردند، فرار را بر قرار ترجیح داده و بوسیله موترها مستقیم بسوی ایران میروند.» (مصاحبه با ویس ناصری...)

عزیزالله افضلی در آستانه سقوط هرات اوضاع را چنین شرح میدهد: «اسماعیل خان به میدان هوایی هرات میرود و پس از دیدن اوضاع به قول اردو می آید و همه وزیرها و فرماندهان را در جریان می گذارد و میگوید: قطعات درمیرداؤد، میرعله و شایب (مقصد محل شاه بید است) شکست خورده، تلفات زیاد هم به دشمن وارد شده، چه باید بکنیم؟ وزیرها از من خواستند که چه باید بکنیم، من گفتم تنها یک کار میتوانیم که نیروهای عقب نشینی کرده را درست راست سرک انجیل و غرب انجیل و گذره مستقر کنیم و دهات جنوب گذره را بگیریم و به این شکل از شهر دفاع کنیم. به من گفتند برو افضلی هرکاری میتوانی بکن، من چون نیروی ذخیره نداشتم و تنها نیروی را داشتم که از گرشک عقب نشینی کرده و خسته و ذله بعد از هفت روز به هرات آمده بودند، از اینها توقع نمیرفت که بتوانند دفاع کنند. (آنها) به انجیل و گذره بطرف قریه جات خود رفتند. من در آنجا فقط قوماندان علاؤالدین خان را دیدم و به آنها گفتم بیائید از شهر هرات دفاع کنیم، گفتند دیگر فایده ندارد، برویم تا قول اردو. وقتی به قول اردو رفتیم، هیچکس نبود، نه اسماعیل خان و نه مهمانان و وزرا ی مرکز. به داخل شهر رفتم، نه نیروی گزمه بود و نه

د پانوی شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلپکني د ليکنيزي بڼي پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

نیروی بهره. در این وقت بود که فیرهای شادایانه و خوشحالی از قسمت هتل هرات شنیده می شد. به قوماندانی امنیه رفته، برادران گفتند که کلاً نیروها عقب نشینی کردند و اسماعیل خان نیز محل فرماندهی خود را ترک کرده است. تلفونها قطع شده بود و اصلاً نمی شد با مرکز فرماندهی تماس گرفت. قرار این بود که نیروهای جهادی با تعدادی از فرماندهان به اطراف دهات بروند و خودم نظر به مشورت با برادران به طرف خانه سید نورالله عماد و از آنجا به طرف غوریان رفته و در آنجا سارنوال نوراحمد را دیدم، اوضاع را پرسیدم گفت: دشمن شهر را اشغال کرده است و از آنجا با او بطرف اسلام قلعه و کشور جمهوری اسلامی ایران آمدیم». (مجموعه سه مصاحبه...، صفحه 15)

قابل توجه اینست که نظر به فیصله مرکز و تائید قوماندانها، در اینوقت اسماعیل خان از عهده قوماندانی عمومی برکنار و بجای او علاؤالدین خان به این وظیفه تعیین شده بود. در نامه ای که ربانی عنوانی قوماندانها در آستانه سقوط هرات ارسال کرد، نامی از اسماعیل خان نبرد و داکتر عبدالله طی مصاحبه با BBC دوشب قبل از سقوط هرات به صراحت بیان کرد که «ما علاؤالدین خان را به علت مرضی و ضعف اداره اسماعیل خان به جای او انتخاب نموده ایم». (امید شماره 177، صفحه 5) اینکه چرا علاؤالدین خان وظیفه را دنبال نکرد، آیا گذشتادن دوره نقاهت بعد از زخمی شدن دلیل آن بود و یا اینکه دلایل دیگر؟ و چرا افضلی به آنچه خودش پیشنهاد کرده بود تا از شهر دفاع صورت گیرد و به آن موفق نشد و به ایران رفت، سؤال های اند که هر یک بنا بر موقف خود و انداختن مسؤلیت بدوش دیگری به آن پاسخ میگویند. بهر حال یکی از دلایل عمده همانا از هم پاشیدن و خستگی دوامدار نیروها بود که به قول افضلی: «همه بطرف قریه جات خود رفتند» و اما علل و انگیزه های سقوط هرات را نباید به یک یا دلیل خلاصه کرد و مسؤلیت را به گردن یک یا دو نفر انداخت، بلکه آنرا باید از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد.

6 - یکی از دلایل مهم دیگر را جنرال ظاهر عظیمی چنین بیان میکند: «تصمیم گیری های ما در رابطه با مسائل مهم و اساسی همیشه توأم با تزلزل و نوسان بود. بطورمثال ما نه از دولت جدا بودیم و نه به دولت کاملاً متحد و تحت امر دولت. نه دولت میتوانست روی ما حساب مشخصی باز کند و نه هم میتوانست ما را نیروی مخالف خود بشمارد... هرگاه از طرفی بالای ما فشار می آمد، درکنار دولت بودیم و هر وقت کمی مشکل ما حل میشد، باز ایالت (ولایت) مستقل بودیم. دولت حق نداشت که از مرکز هدایت دهد که فلان وسایط را به فلانی بدهید... ما اگر کاملاً از دولت پشتیبانی میکردیم و عملاً تحت امر دولت می بودیم، این مشکل به وجود نمی آمد یعنی هرات اشغال نمی شد، همچنانیکه اگر مستقل می بودیم و پلان کار مستقل میداشتیم، باز این مشکل به وجود نمی آمد». (مجموعه سه مصاحبه... - صفحه 18)

از توضیحات فوق چنین معلوم میشود که گویا اسماعیل خان در برابر طالبان در جبهه جنوب تنها مانده بود و کمسیون از کابل بجای تقویه آن جبهه، بیشتر در فکر آن بود تا اسماعیل خان را به هر قیمت که باشد از صحنه برکنار کند و اداره هرات را بدست گماشتگان کابل بسپارد.

داکتر عبدالله بروز 2 سنبله 1374 در یک صحبت تلویزیونی تصریح کرد: «در حالیکه مداخله آشکار پاکستان را در جنگ جنوب غرب دست کم نمی گیریم، اما عوامل عمده سقوط هرات از ضعف فرماندهی اسماعیل خان ناشی میشود. عدم سوق و اداره سالم، تجهیز و اکمال نکردن جبهات و تکروری شخص اسماعیل خان درکنار خلع سلاح مجاهدین و جلب و احضار پشکی و خلع قدرت قوماندانان معروف جهادی در سقوط هرات دست بهم دادند». او در مورد ضایعات دولت در اثر سقوط هرات افزود: «به استثنای سه بال طیاره بم افکن همه طیارات، قوای زرهی، دیویوی مهمات در حدود ده هزار میل سلاح خفیه، نود ملیارد افغانی و چندین ملیون دالر دربانک شهر دست نخورده هرات با همه ساز و برگش بدست طالبان افتاد». (مجموعه سه مصاحبه... - صفحه 6)

7) استاد ربانی مدتی بعد از سقوط هرات در یک اجتماع افغانهای مهاجر در مشهد خطاب به قوماندانهای حاضر مجلس گفت که: «شما قوماندانها کسانی بودید که می گفتید بگذارید هرات سقوط کند و ما بعد از سقوط، هرات را دوباره میگیریم. چرا شما در این مدت سه سال چنین حرکتی از خود نشان ندادید؟» (قوام احراری: مأخذ قبلی... - صفحه 34)؛ از این گفته آشکار میشود که سقوط هرات با تفاهم کابل همراه بود تا یکبار اسماعیل خان از هرات برکنار شود و بعد هرات دوباره به وسیله قوماندانهای جمعیت فتح گردد، لذا سقوط هرات با این کوتاه نظری اراکین کابل به پیش برده شد.

د پانوی شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

8) ظاهر عظیمی می افزاید: «شایان توضیح است که در سقوط هرات هر کدام از ما مسئولین به تناسب صلاحیت ها و مسؤلیتهای که داشتیم، چه در چارچوب مسؤلین دولتی و چه پیش مردم خود واقعاً ملامت و شرمنده ایم». با آنکه ظاهر عظیمی مسؤلیت شکست را بدوش همه مسؤلین انداخته، ولی اگر به متن و عبارات فوق و همچنان مثالها دقت شود، انتقاد او بیشتر جنبه شخصی و حتی به نحوی ریشه «مذهبی» دارد و در مجموع همه متوجه شخص اسماعیل خان میگردد و دیگران را او در یک حالت «برأت الذمه» قرار میدهد. علاوهً از توضیحات عظیمی کاملاً مشهود میگردد که وی در جناح «دولت مرکزی!!» یعنی حکومت کابل قرار داشته و در حذف اسماعیل خان با عناصر حکومت کابل همکاری کرده است. اما وقتی به مثالهای عملی ظاهر عظیمی دقت شود، نمیتوان از این انکار کرد که اسماعیل خان واقعاً در یک حالت «خود خواهی و خود محوری» توأم با یک شیوه قاطعاً «آمرانه» عمل میکرد که موجب رنجش بسیاری از همکاران او گردید و حتی آتش نفاق و شقاق را که از طرف حکومت کابل دامن زده میشد، بیشتر شعله ورمی ساخت. (برای مزید معلومات درباره بعضی از مثالها و رویدادها که ظاهر عظیمی به آن استناد کرده به مأخذ قبلی "مجموعه سه مصاحبه...."، مراجعه شود)

(ادامه در قسمت بعدی)

---

د پانیو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په څیر و لولئ